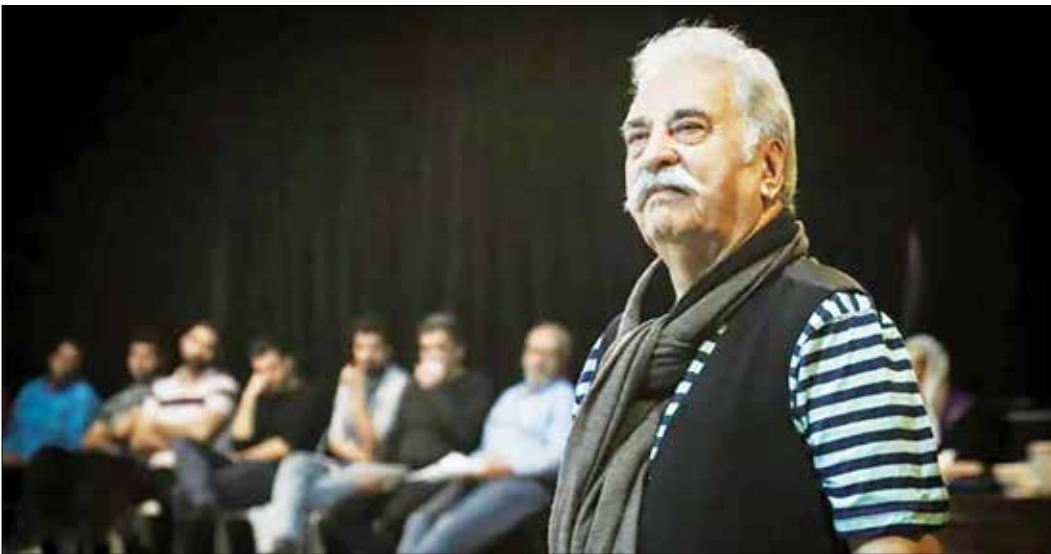


طلسمی که شکسته می‌شود

نمایش **دکتر نون** به کارگردانی **هادی مرزبان** پس از چندین بار تعویق روی صحنه می‌رود



نشست و مشایخی هم به این دعوت لبیک گفت. تمرین‌های مقدماتی در خانه مشایخی آغاز شد ولی بخت، یار نبود و تمرین‌شان، متوقف شد. اجازه بدهید درباره توقف تمرین این نمایش در آن مقطع، خیلی وارد جزئیات نشویم. به هر حال و هر چه بود که البته خارج از اراده گروه اجرایی بود، آن زمان اجرای این نمایش ممکن نشد و چند سالی بعد، مشایخی از دنیا رفت بدون اینکه «دکتر نون» را جان بخشیده باشد. اما پیش از همه این اتفاقات، حسین پاکدل خودش دست به کار شد. او که نمایشنامه خود را با نام «عشق و عالیجناب» نگاشته بود، با گروه بزرگی از بازیگران از جمله سیامک صفری، بابک حمیدیان، سهیلا رضوی و ستاره اسکندری، تمرین نمایش را در طبقه هفتم تالار وحدت آغاز کرد. قرار بود این نمایش فروردین سال ۹۱ در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر اجرا شود اما سهم آن، بعد از این همه تمرین و انتظار، آن هم با گروهی از بازیگران و عوامل پشت صحنه، دو اجرا در جشنواره تئاتر فجر بود و دوباره «دکتر نون» به پستو تبعید شد. «عشق و عالیجناب» که سال ۹۰ به دعوت جشنواره تئاتر فجر، دو اجرا در این رویداد داشت، سال ۹۱ و سال‌های بعد از آن هرگز رنگ اجرایی عمومی ندید. اجازه بدهید در این مورد هم و دلیل ناکامی این نمایش در آن مقطع، خیلی وارد جزئیات نشویم، فقط همین بس که حسین پاکدل به

کودتای ۲۸ مرداد و مصیبت‌های بعد از آن. به هر روی این داستان عاشقانه و آن بستر تاریخی پرفرازونشیب، طوری نیست که هر کسی راحت بتواند از کنار آن بگذرد. آنان که پیگیر رویدادهای تئاتر ما هستند و از اوضاع و احوال تئاتر ایران در دو سه دهه اخیر خبر دارند، خوب می‌دانند که هادی مرزبان، کارگردان باسابقه تئاتر، در سال‌های بعد از انقلاب بیشتر از همه نمایشنامه‌نویسان، سراغ اکبر رادی رفته و آثار او را روی صحنه برده است. او بسیاری از نمایشنامه‌های رادی را اجرا کرده و بعضی را دوباره خودش در تمام این سال‌ها گل رادی را بوییده است. البته گاهی هم سراغ نمایشنامه‌نویسی دیگر رفته و نمونه آن، اجرای نمایشنامه «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» نوشته بهرام بیضایی است که اوایل دهه ۸۰ در تماشاخانه قدیمی سنگلج روی صحنه رفت تا مرزبان به قول خودش، این بار گلی از بوستان بیضایی بوییده باشد. نمایشی که اجرای موفقی هم داشت. اما نمایشنامه «دکتر نون» هم آنقدر عطر و بو داشت، آنقدر خوش‌رنگ و رخسار بود که مرزبان را بر آن دارد تا باز هم گلی از بوستان نویسنده‌ای دیگر بویید. او خیلی زود تصمیم به اجرای این نمایشنامه گرفت و برای بازی در نقش دکتر نون که خودش شاه‌نقشی است، با زنده‌یاد جمشید مشایخی به صحبت

ندا طیبی منتقدتئاتر

قصه اجرای نمایش «دکتر نون» که حکایت امروز و دیروز نیست، قصه اجرای این نمایش متعلق به زمانی است که زنده‌یاد جمشید مشایخی آنقدر جان در تن داشت که بتواند روی صحنه برود و به نقش نفس‌گیری مانند «دکتر نون» جان ببخشد. قصه اجرای نمایش «دکتر نون» اگر از داستان اصلی آن طولانی‌تر نباشد، کوتاه‌تر هم نیست. اول بار حسین پاکدل بود که روی این داستان نه‌چندان بلند دست گذاشت و متنی نمایشی بر اساس آن تنظیم کرد. پاکدل که همواره مشغول خواندن کتاب‌های تازه است، زود کشف کرد که داستان «دکتر نون» زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» نوشته شهرام رحیمیان، اگر در قامت تئاتر، به صحنه بیاید، خوب نمایشی خواهد شد. پس دست به قلم برد و نمایشنامه‌ای را بر اساس آن تنظیم کرد. از همان زمان هم قرار بود هادی مرزبان این نمایش را اجرا کند. داستان «دکتر نون» زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد»، داستان بلندی نیست. یک اثر عاشقانه صرف هم نیست بلکه ماجرای عشقی است پرسوزوگداز در خلال یکی از مقاطع حساس تاریخ معاصر ما، زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق و البته

بچه



- نویسنده: نغمه ثمینی
- کارگردان: افسانه ماهیان
- بازیگران: فاطمه معتمدآریا، مهرا نائل، شیوا فلاحی

این نمایش از زاویه دید سه زن مهاجر کرد ایزدی، افغان و لیبیایی، به مصیبت‌های مهاجران غیرقانونی، جنگ، تجاوز و کودکانی که نتیجه تجاوز داعش هستند، می‌پردازد. «بچه» درباره پناهجویانی است که به دنبال سرزمینی امن می‌گردند.

بی‌خوابی



- نویسنده و کارگردان: سعید هاشمی‌پور
- بازیگران: رضا بهرامی، علی تابع‌امام، سحر گلشیرازی

این نمایش اثری اجتماعی است که متن آن براساس سه داستان واقعی نوشته شده و شخصیت اصلی آن درگیر مواد مخدر است و داستان آن درباره دختری است که یک سال بعد از قتل دوستش به شواهدی دست می‌یابد.

هملت



- کارگردان: شایان افشردی
- بازیگران: احسان معجونی، آوا تدین و اشکان زهتاب

ترکیبی است از هملت شکسپیر، «هملت ماشین» هاینر مولر و «روز مرگ در داستان هملت» ماری کولتس. نمایش با سوگواری پدر هملت در کلیسا شروع می‌شود و با ازدواج هملت و اوفلیا ادامه می‌یابد و البته پایان خوشی هم ندارد.